بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 2 بهمن 1395.

در مورد حدیث تثلیث صحبت می کردیم. مرحوم شهید صدر در مورد روایت نعمان بن بشیر فرمودند که دو اشکال اصلی در واقع ایشان دارند. یک اشکال ایشان این بود که معلوم نیست شبهات در این روایت به معنای مشتبه الحکم و مشکوک الحکم باشد. ممکن است به معنای مکروهات باشد که در موردش صحبت کردیم و عرض کردیم که از مجموع روایات و نقل های این روایت به دست می آید که مراد از مشتبهات و مشبّهات و شبهات مشکوک الحکم است. اما اشکال دومی که ایشان طرح می کند ایشان می گویند که این روایت با مقصود اخباری متفاوت است. به دلیل اینکه یک تقریبی اینجا شده است گفته اند که این تصویری که در این روایت هست با تصویر اخباری متفاوت است. اگر ما قائل به ایجاب احتیاط شویم، در واقع اشیاء سه قسم نیستند. یا معلوم الحلّیه است یا معلوم الحرمه است. معلوم الحرمه چون ایجاب احتیاط که شد، ارتکاب شبهات هم داخل در معلوم الحرمه می شود. در حالی که این روایت سه قسم کرده است. به تعبیر دیگر موارد مشتبهات طبق این بیان داخل در حمی می شود این خلف فرض این روایت است. فرض این روایت این است که ما یک حمی داریم و یک اطراف حمی داریم. یک غرقگاهی داریم و یک حدود خارجی غرقگاه را داریم. و این حدود اگر کسی گوسفند خود را آنجا بچراند ممکن است داخل حمی قرار گیرد و ممکن است داخل حمی قرار نگیرد. ولی اخباری طبق این معنا که ایجاب احتیاط را قائل هست همیشه داخل حمی است. ممکن است داخل حمی ممکن است خارج حمی ندارد. خب شهید صدر در پاسخ می فرمایند که ما در بحث جلب این حکم ظاهری و واقعی مطلب را گفتیم که احکام ظاهریه مثلا حکمی مثل لزوم احتیاط، ابراز شدّت اهتمام مولا به محرّمات واقعی است به مقداری که راضی است به انجام محرمات واقعی نیست. بنابراین آن چیزی که برای شارع مهم است، محرّمات واقعی است. ولی می خواهد بگوید که حتی در ظرف شک هم به ارتکاب این محرّمات واقعی راضی نیستم. بنابراین اگر کسی احتیاط نکرد محذورش این است که ممکن است در محرّمات واقعی واقع شود. بحث حرمت ظاهریه و اینها نیست. من به تعبیر دیگر همین تعبیر آقای صدر را بکنم که خیلی شاید وابسته به مبنای آقای صدر نیست. عمده قضیه این است که اینجا حرمت ظاهریه به هر حال یک حرمت طریقی است. این حرمت طریقی برای تحفّظ بر آن محرّمات واقعیه است و خودش عقاب و ثواب مستقل ندارد می گوید اگر کسی محرّم واقعی را انجام داد، حرمت ظاهریه برای تنجیز محرّم واقعیه است. اثرش تنجیز محرّم واقعیه است. بنابراین معنای تنجیز این است که اگر اصابت به واقع کرد عقاب می آورد اگر نکرد نمی آورد. روح مطلب شهید صدر این است می خواهم بگویم که خیلی لازم نیست با اصطلاحات شهید صدر این مطلب بیان شود. در اصطلاحات قوم هم مشابه این مطلب را می شود بیان کرد و این اشکال را پاسخ داد.

سؤال: اخباری وجوب احتیاط را طریقی می داند یا نفسی می داند؟

پاسخ: آن شاید خیلی روشن نباشد کلامشان که چطوری است به هر حال یک مقدار زیادی دقت های اصولی در کلمات اخباریون نیست که بخواهیم چیز خاصی را به آنها نسبت دهیم.

شهید صدر در ادامه می فرمایند که اشکال این روایت و استدلال به او بر مقصود اخباری، این است که اخباری مفروضش این است که حمی الله محرّمات واقعیه است و ارتکاب مشتبه اینکه شما اگر مشتبه را مرتکب شوید ممکن است به آن محرّمات واقعیه مبتلا شوید ممکن است مبتلا نشوید. در حالی که این که این روایت مطرح کرده است آن است که آن شخصی که ارتکاب شبهات می کند خارج حمی است. نه مردّد بین اینکه داخل حمی است یا خارج حمی است. مردد نیست مشکوک نیست خارج از حمی است. ولی آن که خارج حمی است ممکن است ضمیمه شود برای اینکه داخل حمی گوسفندش چریده شود. و این تصویر متناسب با این است که مراد از حمی، محرّمات معلومه باشد. یعنی کسی که مشکوک الحرمه را انجام میدهد، این مشکوک الحرمه می تواند زمینه باشد برای اینکه محرّمات معلومه را انجام داده شود. و این غیر از آن بحث ما است که مشکوک الحرمه ممکن است محرّم واقعی باشد نه. مشکوک الحرمه مقدمه برای ارتکاب مشکوک الحرمه مقدمه برای ارتکاب معلوم الحرمه خواهد بود و این ربطی به مطلب

مثلا یک نوع لا اوبالی و امثال اینها می آورد.

و بعد ایشان می فرمایند که ما یک عبارتی هم در ادامه دارد می گوید

و النهي عن ارتكاب المشكوك لئلا يتجرّأ الإنسان على المعلوم، و بما أنّ ظاهر هذا النهي هو كونه بعنوان التحفّظ من قبل نفس العبد، فهو يختصّ بخصوص ما لو احتمل العبد منشئيّة اقتحام‏ الشبهات‏ لاقتحام‏ المحرّمات‏، و في مثل هذا الفرض لا بأس بالقول بوجوب الاجتناب بحكم العقل عن‏ لمشتبه، سواء استظهرنا وجوب ذلك من الرواية أو لا

سؤال:

پاسخ: طریقیت دارد ولی یک مدل طریقیت دیگر. در واقع وجوب مقدمی هست از یک باب دیگر. این عبارت شهید صدر هست. اینجا بعد ایشان برای توضیح مطلب خودشان به این عبارت مسند احمد بن حمبل من ترک الشبهات فهو للحرام أترک، در واقع به آن اشاره می کند که کأنه من ترک الشبهات فهو للحرام مراد للحرام المعلوم است أترک امثال اینها.

در مورد این روایت حالا این معنایی که شهید صدر مطرح می کنند در تفسیر این روایت، بعضی از نقل های این روایت خیلی واضح است که مراد این است. ایشان چون آن مناسبتر این بود که، بعضی هایش را هم ایشان آورده است. مناسب تر این بود که ایشان روی این نقل ها بیشتر تکیه کند. نقل هایی که روی این تعبیر که من ترک ما شبّه علیه من الأثم أو ما اشتبه علیه من الأثم کان لما استبان أترک. یا فهو لما استبان له اترک این که شهید صدر هم در بعضی از نقل هایش آورده است روی این تکیه می کردند خیلی بهتر بود که در روایاتی که ما آوردیم روایت دوم، 4/2، 4/3، 4/7، 4/8، 4/11، اینها این تعبیرات است. این خیلی مقصود ایشان واضح تر و روشن تر بود. ولی واقعش این است که این روایت یک ابهامی در اینکه حمی را چه قرار داده است در آن وجود دارد. در بعضی از تعبیرات این روایت، حمی را محرّمات قرار داده است. ممکن است ما بگوییم محرّمات، ظاهرش محرّمات واقعیه است. اینکه ما محرّمات را اختصاص دهیم به محرّمات معلومه، این یک نوع تصرف در روایت هست. بنابراین یا باید ما آن تشبیه حمی ای که در روایت هست در آن تشبیه تصرّف کنیم بگوییم که اینکه می گوید کسی که داخل حمی است نزدیک است که داخل حمی هم گوسفندش را بچراند یعنی نزدیک است محتمل بودن به اعتبار در عالم اثبات نزدیک است یعنی محتمل است. یکی این گونه یا در محرمات و محارم که به عنوان حمی قرار داده شده است در آن ها تصرف کنیم و بگوییم که مراد از حمی و محرّمات، محرّمات واقعیه نیست محرّمات معلومه است. بنابراین اینکه ایشان خیلی محکم بحث حمی را مسلّم گرفته است و با حمی محرّمات را معنا کرده است. با این معنا کرده است این خیلی روشن نیست. باید دید که کدام یک از این دو تا قرینیتشان برای تصرف در دیگری بیشتر است. حالا من عرض کنم خدمت شما قبل از آن یک نکته ای عرض کنم آن این است که در بعضی از الفاظ این روایات، خیلی روشن است که محذوری که در چراندن گوسفند در اطراف حمی هست، این است که انسان را جسور می کند برای اینکه نتواند خودش را کنترل کند و در داخل حمی هم بچراند. این دقیقا با همان معنایی که شهید صدر می گویند سازگار است. مثلا نقل سوم ما این است که لازمه چراندن گوسفند در اطراف حمی این است نازعته نفسه الی ان یرعاها فی الحمی. نفس انسان تحریک می شود که داخل حمی هم بچرد. گاهی اوقات نگاه می کند می بیند که خارج حمی چراگاه مناسبی نیست سبزی مناسبی ندارد ولی داخل حمی خیلی سبزی های خوب دارد و گوسفندان این شکلی است. یا یک تعبیر دیگر هست که یوشک ان یجسر. ممکن است این منشأ جسارتش شود. اینها 4/15 و 4/18 است. این تعبیرات خیلی با معنایی که شهید صدر مطرح می کنند کاملا هماهنگ است. ولی یک سری تعبیراتی هست، این تعبیرات سازگار هست با معنایی که شهید صدر می کنند و معنایی که شهید صدر نمی کنند. مثل تعبیری که، حالا شهید صدر روایت را فقط روایت نعمان بن بشیر آورده است و من در این بحث روایت های دیگری هم که وجود دارد همه اینها را، حتی روایت های عمر بن حنظله و آنها را که شهید صدر همه را جدا جدا بحث کرده است ما همه را یک کاسه بحث می کنیم. یک تعبیری در همین روایت عمر بن حنظله هست، هلک من حیث لا یعلم. تعبیر روایت را ببینید قال رسول الله ص، حلالٌ بیّن و حرامٌ بیّن و الشّبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات نجا من المحرّمات و من اخذ بالشبهات ارتکب المحرّمات و هلک من حیث لا یعلم. این دقیقا با چیز اخباری ها سازگار است. ولی چیز نیست اینکه بگوییم حتما آن معنا را می گوید خیلی درست نیست. ممکن است «من ترک الشبهات نجا من المحرّمات» این باشد که کسی که شبهات را انجام می دهد از آن محرّمات معلومه نجات پیدا می کند ولی اگر کسی به شبهات اخذ کند و آنها را مرتکب شده است، آن محرّمات معلومه را مرتکب می شود و متوجه نیست که منشأ این هلاکتش ارتکاب شبهات است. هلک من حیث لا یعلم، نه اینکه هنگامی که می خواهد گناه کند نمی دانم که این گناه است که دقیقا مسلک اخباری باشد. ممکن است بداند گناه است ولی نداند که چه شده است که گناهکار شده است. هلک من حیث لا یعلم، یعنی نفهمد که این آقایی که یک زمان عابد و زاهد بود چطور شد الآن

سؤال:

پاسخ: نمی داند منشأ هلاکتش چیست.

سؤال:

پاسخ: نه نه ممکن است به حیث ما یعلم باشد.

این صریح نیست در مسلک اخباری ولی با مسلک اخباری سازگار است. این تعبیری که در مقبوله عمر بن حنظله وارد شده است. اینها جایی هست که محذور ارتکاب شبهات وقوع در محرّمات دانسته شده است. ولی من آن جایی که حمی را محارم قرار داده است این آدرس ها هست که اکثریت روایات ما هم حمی را محارم قرار داده است. آن جاهایی که حمی دارد. حمی الله محارمه، رقم 3، 4/1، 4/5، 4/6، 4/9، 4/10، 4/12، 4/14، 4/17 و هشت. حمی الله ما حرّم، 4/4، 4/18. حمی الله الحرام، هفت. حمی الله حلاله و حرامه، 4/20 که آن هم در واقع به اعتبار آن حرامه حمی الله قرار داده شده است. حلال که خب آن چیز نیست. ولی یک تعبیری در بعضی از چیزها دارد محارم و ما حرّم، حرام و امثال اینها را قرار نداده است. المعاصی حمی الله، معاصی با همان حرام های معلومه می تواند مراد باشد. و شبهات در صورتی آن محرّم منجّزه می شود معاصی. یعنی در رتبه سابق باید تنجیز ثابت شده باشد بنابراین محارم واقعی به نحو واقعی، این معاصی نیست. اگر المعاصی حمی الله بگوییم، این روایت دقیقا با معنایی که شهید صدر می گوید خیلی سازگار است که آن چیزی که نمی خواهم بگویم خصوص محرّمات معلومه. محرّمات منجّزه و این روایت دال نیست بر اینکه موارد شبهات خودش تنجیز می آورد. تنجیز در رتبه سابق است. المعاصی حمی الله، 2، 4/3، 4/11، 4/21، دو است. و 4/2 هم مردد است هر دو نقل را آورده است که به اصطلاح تعبیر 4/2 هم این است «ان حمی الله فی الارض معاصیه أو قال محارمه» که خب مردد است. بنابراین اگر معاصی بگوییم، دیگر آن بحث هایی که ما می خواهیم بگوییم نمی آید. ولی اگر حمی الله را محارم قرار داده باشیم باید ببینیم که کدام یک از تصرّف در ظاهر تشبیه، ظاهر تمثیل به حمی اولا هست یا تصرف به محارم و حمل به محارم بر محارم معلومه؟ کدام یک از اینها اولا است؟ خیلی محکم و قرص این جوری که شهید صدر می گویند نباید مطرح شود. البته یک سری تعبیرات دیگری وجود دارد. یک تعبیر این بود که من اتقی الشبهات فهو لما استبان له اترک. من ترک ما اشتبه علیه من الأثم کان لما استبان له اترک. خب این تعبیر دقیقا با فرمایش شهید صدر سازگار است. ولی همین تعبیر هم در بعضی نقل های دیگر به یک شکل دیگر نقل شده است که من واقع الشبهات، واقع الحرام. این 4/4 است. من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام، 4/12، 4/14، 4/16، که اینها می تواند با مسلک اخباری سازگار باشد. من واقعها یوشک ان یواقع الحرام، 4/10، 4/17، 4/19، 4/121 و شش. بنابراین ما باید بحث را این جور کنیم که در واقع احتمال دارد که تصویری که در این روایت وجود دارد غیر از تصویری باشد که اخباری قائل هست چون به خصوص بعضی از نقل هایش که قطعا آن تصویر است حالا ما برایمان ثابت نیست که نقل به چه شکل است. بنابراین ثابت نیست که این روایت ناظر به ادعای اخباری ها باشد. به صورت قاطع نباید مطلب را مشی کنیم. البته مجموعا به نظرم اگر کلّ این چیزها را کنار هم بگذاریم، یکی دو تا نکته اینجا هست باز تأیید می کنم فرمایش آقای صدر را. آن این است که در بعضی از نقل ها که صریحا مطابق فرمایش شهید صدر است. بعضی نقل های دیگرش با هر دو سازگار است. هم با کلام شهید صدر سازگار است و هم با کلام اخباری ها سازگار است. به نظر می رسد که نقل به معنایی این وسط صورت گرفته است. این معنایش این است که افراد از آن عبارتی که مبهم بوده است معنای شهید صدر را می فهمیدند که وقتی نقل به معنایش کردند فهو لما استبان له اترک معنا کردند. یعنی ولو تعبیر روایت را نتوانیم تشخیص دهیم ولی پیدا است ظهور روایت مطابق همان ظهوری بوده است که شهید صدر مدعی است. یعنی مراد، حالا محرّمات منجّزات تعبیر کنیم. نمی خواهم حتما محرّمات معلومه تعبیر کنم. حالا بعضی هایش اصلا فهو لما استبان له أترک محرمات معلومه است. ولی حالا آن را هم نگوییم، مراد محرّمات معاصی، بعضی ها که اصلا معاصی را حمی الله قرار داده است و بعضی ها محارم را. آنهایی هم که محارم را حمی الله قرار داده است، مراد از حمی بودن محارم، حمی بودن محارم منجّزه است که با معاصی یکی است. آنهایی که به جای تعبیر ما اشتبه علیه من الأثم فهو لما استبان له اترک، به جای این گفته است واقع الحرام من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام امثال اینها مراد از وقع فی الحرام نه آن حرامی که مشتبه ممکن است آن باشد. مراد از حرام همان حرام معلومه است. یعنی اینها را کنار هم قرار دهیم،

سؤال:

پاسخ: نه دو ملاحظه مختلف است. اشکال عقلی که ندارد. اشکال ندارد که ما با یک بیان هر دو را بیان کنیم ولی روایت ظهور در این معنای جامعی ندارد. معمولا این دو بیان ها چون دو بحث است یک بحث این است که آن حرامی که مشتبه مردد به آن است.

سؤال:

پاسخ: اگر هم باشد هر دو را جدا جدا ذکر می کنند. یک جامعی بگوییم که این جامع را که هر دو را در بر بگیرد عرفی نیست.

سؤال:

پاسخ: اخباری ها این تصوری که بعضی ها تصور می کنند که اخباری ها خیلی خوش فهم هستند و امثال اینها اصلا اینجور نیست. عرض کردم همین بحث وجوب احتیاط را ببینید مرحوم شیخ حرّ عاملی چه کار کرده است، پنجاه تا روایت آورده است که چهل روایت آن ربطی به این بحث ندارد. اصلا هیچ چیزی ندارد. اینها یک مقداری اصلا دقیق نیستند. یک چیزی که یک ارتباطی با بحث داشته باشد یعنی لا اقل در این موضوعاتی که از قبل نسبت به آن موضع گرفته اند، برای اثبات موضع خود اصلا دقت نمی کنند. هر چیزی که گوشه اشاره ای به چیزشان داشته باشد

سؤال: شاید ما هم گرفتار تحلیل شده ایم

پاسخ: نه نه بحث تحلیل نیست. اصلا تحلیل نیست. عرض من این است که ما آمده ایم داریم نقل های مختلف را می گوییم که این نقل ها بعضی هایشان صریح در مخالفت اخباری ها است آن هیچی. آنهایی هم که صریح نیست، ذو وجهین است. بحث ما این است که اولا یعنی در واقع اشکال ما چند اشکال است. اولا ثابت نیست که آن نقل هایی که صلاحیت دارد با مسلک اخباری ها به آن معنا باشد اصلا آن نقل ها هم نقل اصیل باشد. این یک. اگر بگوییم نقل های اصیل نقل های سازگار هست با قول اخباری ها. با توجه به اینکه در همان زمان های قدیم، یعنی این اختلاف نقل مال قرن دو و سه است. در همان زمانی که نزدیک به زمان صدور نص است، این نقل ها را وقتی نقل به معنا کردند، به معنایی نقل به معنا کردند که با مسلک اخباری ها سازگار نیست. این معنایش این است که در آن زمان، این روایات را، ولو اصیلش هم همان الفاظ فرض کنید حمی الله محارمه باشد. بگوییم حمی الله محارمه اصیل است. یا من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام، اینها اصیل است. و محذور کلمه ای محذور ارتکاب شبهات باشد حرام و محرّم و امثال اینها باشد. ولی با توجه به نقلیات دیگری که در فرض این است که نقل به معنای آنها است به نظر می رسد که ظهور روایات در آن دوره به معنایی بوده است که بر خلاف اخباری ها باشد. این نکته دوم و نکته سوم از نظر من ذاتا هم وقتی بخواهیم این دو تا احتمال را کنار هم بگذاریم، احتمال اینکه از مجموع روایات استفاده می شود همان احتمالی است که مخالف احتمال اخباری ها است. توضیح و ذلک این است که اینکه ما از حرام و محرّم کأنه محارم و الحرام، الف و لامش را الف لام جنس بگیریم. بگوییم مراد از محارم یا الحرام، حلال بیّن و حرام بیّن هست، این احتمال از اینکه آن تمثیل حمی را به اعتبار مقام اثباتی بگیریم کاملا چیز تر است. تمثیل حمی خیلی زور می برد که ما بگوییم مراد از اینکه کسی که اطراف چراگاه می چرد ممکن است داخل چراگاه شود، بگوییم که همین الآن ممکن است داخل در چراگاه باشد. اینگونه داریم تصرف می کنیم دیگر. میگوییم کسی که خارج چراگاه می چرد ممکن است داخل چراگاه هم بچرد. ما می گوییم ممکن است این را تصرف کنیم و بگوییم کسی که خارج از چراگاه می چرد یعنی کسی که نه خارج از چراگاه، کسی که در جایی که معلوم نیست داخل است یا خارج است ممکن است واقعا داخل در چراگاه باشد. این معنا و این تصرف برای حمی خیلی تصرف خلاف ظاهری است. میزان خلاف ظاهری که در این تصرف هست از اینکه محارم و حرام و امثال اینها را به محارم معلومه و حرام معلومه و اینها حمل کنیم بسیار این تصرّف دوم بهتر است به خصوص اگر الف لامش را عهد بگیریم. من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام، این بعد از این است که حلالٌ بیّن و حرام بیّن، من این تعبیر وقع فی الحرام را بخوانم در نسخه 4/12 ما هست.

سؤال:

پاسخ: نه اصلا به نحوه اخباری نیست. ان الحلال بیّن و ان الحرام بیّن و بینهما مشتبهات لا یعلمهنّ کثیرٌ من الناس فمن التقی الشبهات استبرأ لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام. وقع فی الحرام می تواند الف لامش عهد باشد یعنی همان حرام بیّن، حرامی که بیّن بود. فرض این است که حرام بیّن است دیگر. ولو به اعتبار نوع آن الحرام بیّن. بنابراین با توجه به این نکته سوّم به نظر می رسد که مجموعا این روایت ربطی به ادعای اخباری ها ندارد و مسلک اخباری ها را ثابت نمی کند. البته یک مطلب دیگری اینجا وجود دارد که آن این است که ممکن است بگوییم که مسلک اخباری ها را اثبات نمی کند ولی ذاتا می گوید شما باید از شبهات اجتناب کنید. به خاطر اینکه از شبهات اگر اجتناب نکنید، باعث می شود که محرّمات معلومه را هم مرتکب شوید. این مقدمه آن باشد یعنی به آن تقریبی که اخباری ها می گویند ما به آن تقریب به روایت نپردازیم. یک وجوب دیگر دالّ بر وجوب احتیاط باشد ولی یک نوع وجوب احتیاط نفسی طوری. که شهید صدر با این تعبیری که من خواندم، فهو یختصّ بخصوص ما لو احتمل العبد منشئیه اقتحام الشبهات لاقتحام المحرمات، کأنه می خواهد آن مطلب را پاسخ دهد. عرض کنم خدمت شما ایشان می گوید،

من دقیقا این را نفهمیدم که بما ان ظاهرها و النهی و کونه بعنوان التحفظ من قبل النفس العبد فهو یختصّ بخصوص ما لو احتمل العبد منشئیه اقتحام الشبهات لاقتحام المحرمات. این مطلب چه ایشان می خواهد بگوید را من درست نفهمیدم. حالا این را درست رویش دقت فرمایید من فردا در مورد این بحث بیشتر می خواهم توضیح دهم که آیا از این روایت ما می توانیم یک حرمت شبیه نفسی طوری نه حرمت طریقی. یک طریقی به شکل دیگر از آن استفاده کنیم در واقع اصل مدعای اخباری را که ایجاب احتیاط است ما بخواهیم از این روایت اثبات کنیم چون بالأخره این روایت می گوید که شما ولو به جهت اینکه باید از محرّمات معلومه ارتکاب کنید واجب است از باب مقدمه واجب از شبهات هم اجتناب کنید. اجتناب از شبهات واجب است از باب مقدمه خارجیه نه مقدمه علمیه. آن بحث قبلی این بود که این شبهات ممکن است خودش محرم باشد. احتمال حرمت در آن وجود دارد. اینجا بحث احتمال حرمت نیست قطعا شبهات محرم نیست، یعنی محرّم واقعی نیست، محرم معلومه نیست، قطعا محرّم معلومه نیست ولی ممکن است از باب مقدّمه واجب، واجب باشد این شبهات را انسان ارتکاب نکند. حالا ببینیم از این چه در میآید این را انشاء الله من فردا در موردش توضیح می دهم. حالا بحث نفسی نیست تعبیر نمی کنیم. حالا بعد در مورد نفسی و چیزش توضیح می دهم که چرا دارم این تعبیر را می کنم. می خواهم این را بگویم که آیا این روایت، اخباری ها مثلا مبنایشان این است که این روایت دالّ بر این است که احتمال الحرمه منجّز حرام محتمله است. این روایت را ما می گوییم که ثابت نیست به این معنا باشد. حداقل ثابت نیست. اگر نگوییم که ثابت است غیر آن که ما به این مطلب مایل شدیم که بگوییم مجموعا از این روایت استفاده می شود که این روایت ناظر به مسلک اخباری نیست. اگر نگوییم بر خلافش دال است لا اقل اجمال دارد و ثابت نیست که ناظر به مسلک اخباری ها باشد. از آن جهت نمی خواهیم بگوییم. بگوییم ایجاب احتیاط را بیان کنیم به عنوان مقدمه واجب. عنوان مقدمه واجب شارع مقدس احتیاط را واجب کرده باشد. آیا این از روایت در می آید یا نمی آید

سؤال:

پاسخ: آن مهم نیست لفظش را هر چه می خواهید بگویید. می گوییم آن تصویر ابتدایی که در بحث را نمی پذیریم. اصل ادعایی که اخباری، خیلی از کلمات اخباری ها انقدر دقیق نیست که ما، در واقع بسیاری از حرف های اخباری ها اصولی ها فنی کرده اند و بعد پاسخ داده اند. و الا خود کلمات اخباری ها معمولا تقریب فنی ندارد. مثلا برای اینکه احتیاط لازم است از باب علم اجمالی به تکلیف، بحث علم اجمالی به تکلیف را که اصولی ها دارند، اصولی ها از جانب خودشان استدلال به مدعای اخباری ها کرده اند و بعد جواب داده اند. خیلی از استدلالاتی که به نفع اخباری ها شده است از طرف اصولی ها ارائه شده است. ما می خواهیم ببینیم نفس مدعای اخباری که ایجاب احتیاط است، آیا این مدعا را می توانیم از این روایت استفاده کنیم یا نمی توانیم. انشاء الله این را فردا در موردش صحبت می کنیم.

سؤال: مدعای اخباری ها ایجاب احتیاط را که آیا مثلا به امر غیری بودنش اشکال می کنند چون می گویند به خودش می خواهد تنجیز شود و در غیری باید مقدمه قبلش منجز باشد که ....

پاسخ: نه، ذو المقدمه اش محرمات معلومه است.

سؤال: در بیان شما غیری بودنش اشکالی ندارد ولی روی بیان اخباری ها غیری بودنش خب مشکل دارد.

پاسخ: می گویم خیلی ما اصرار نداریم تحلیل کنیم که واقعا اخباری ها ایجاب احتیاط را به چه عنوانی لازم می دانند. فرض کنید یک تصویر این است که احتمال حرام، حرام را منجّز می کند و گفته است که از روایات این در نمی آید. تصویر دیگر این است که محتمل الحرمه واجب الاجتناب هست نه به خاطر اینکه آن حرام واقعی بین تنجیز می شود نه، به خاطر این که زمینه ارتکاب محرمات واقعی را فراهم می کند. این را می خواهیم ببینیم که چه کار باید بکنیم. این را هم انشاء الله فردا در موردش صحبت می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد